

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: نیکوس موتاس
برگردان: آمادور نویدی
۲۷ دسمبر ۲۰۱۶

چه گوارا: « به دلیل ستالین کمونیست شدم»

بدون شک ارنستو چه گوارا، یکی از چهره های تاریخی جنبش کمونیستی قرن بیستم است که علاقه طیف گسترده ای از مردم را از ایدئولوژی های سیاسی گوناگون به خود جلب نمود. سال ها بعد از قتل ناجوانمردانه او در بولیوی، برای انواع گرایشات مارکسیستی، چپ و مترقی – از تروتسکیست ها تا لنینیست های مبارز و از سوسیال دمکرات ها تا آزادیخواهان آنارشویست، چه گوارا به نماد انقلابی مبدل گشت. شمار قابل توجهی از آن هائی که این انقلابی ارجنتائینی را تحسین می کنند، در حالی که آنها اغلب به اصطلاح «جنایات» دوران ستالین مراجعه می کنند، خود را به عنوان «ضد ستالنیست» معرفی می کنند، از ستالین متنفرند و به ستالین دشنام می دهند. چیزی که ضد و نقیض و طنز تاریخ است این ست که: خود چه گوارا یکی از تحسین کنندگان ژوزف ستالین بود.



به مناسبت ۶۳ سالگی مرگ رهبر بزرگ اتحاد جماهیر شوروی، اجازه دهید، با توجه به نوشته ها و نامه های خود چه گوارا آنچه را که او درباره جوزف ستالین فکر می کرد، به یاد بیاوریم. در سال ۱۹۵۳، واقع شده در گواتمالا، زمانی که چه گوارا ۲۵ ساله بود، در نامه خود به عمه بیاتریز خود نوشت: «در طول راه، این شانس را داشتم که از مسیر قلمرو یونانید فروت رد شوم، و این یک بار دیگر مرا متقاعد ساخت که چقدر این اختاپوس های سرمایه داری وحشتناک اند. در برابر عکس رهبر قدیمی و وفات یافته رفیق ستالین سوگند یاد کرده ام تا زمانی که این اختاپوس های سرمایه داری نابود نشده اند، استراحت نکنم» (جان لی اندرسون، چه گوارا: زندگی یک انقلابی، سال ۱۹۹۷).

سال ها قبل پس از نامه او از گواتمالا – در میان روند انقلابی در کوبا – گوارا مجدداً موضع خود را نسبت به ستالین تأیید نمود:

«در این به اصطلاح اشتباهات ستالین فرق است بین گرایش انقلابی و گرایش رویزیونیستی. شما باید به ستالین در آن مقطع تاریخی نگاه کنید که او حرکت می کرد، شما نباید به او همچون انسانی بی رحم نگاه کنید، مگر در آن بستر تاریخی خاص. من به دلیل پدر ستالین کمونیست شدم و هیچ کسی نمی تواند بیاید و به من بگوید که نباید کتاب های ستالین را بخوانم. وقتی که بسیار بد بود کتاب های او را بخوانند، من از او خواندم، آن دوره دیگری بود. و به این دلیل که من خیلی زرنگ نیستم، و خیلی کله شق هستم، به خواندن از او ادامه می دهم. به ویژه در این دوران جدید کنونی، که خواندن کتب او خیلی بد است. پس، به همان خوبی اکنون، هنوز یک سری چیزها را پیدا می کنم که خیلی خوب هستند».

در حالی که چه گوارا رهبری ستالین را می ستود، او همواره به نقش ضدانقلابی تروتسکی اشاره می کرد، او را برای «انگیزه های پنهانی» و «اشتباهات اساسی» سرزنش می کرد و مقصر می دانست. او در یکی از نوشته های خود تأکید داشت: «من فکر می کنم که مسائل و چرندهای اساسی که تروتسکی بر مبنای آن بود پر از غلط و نادرست بود و رفتارهای پنهان او اشتباه بود و سال های آخر او حتی تیره و تاریک بودند. تروتسکیست ها به هیچ وجه هیچ کمکی به جنبش انقلابی ارانه نداده اند؛ جانی که آنها بیشترین ها را انجام داده اند در پرو بود، اما در نهایت شکست خوردند زیرا شیوه های آنها بد است» (انتقادات بر «یادداشت های انتقادی بر اقتصاد سیاسی» توسط چه گوارا، مجله دمکراسی انقلابی، ۲۰۰۷).

ارنستو چه گوارا، خواننده ای پر انرژی با دانش توسعه یافته فلسفه مارکسیستی، از جمله نوشته های ستالین در آثار مارکسیستی – لنینیستی کلاسیک بود. این آن چیزی است که او در نامه به آماندو هارت داوالوس، یک تروتسکیست و عضو برجسته انقلاب کوبا نوشت:

«در کوبا هیچ چیزی منتشر نشده است، مگر کسی خشت های شوروی را به حساب نیاورد، که باعث این ناراحتی شود که آنها به شما اجازه فکر دادن نمی دهند؛ حزب این کار را برای شما کرد و شما باید آن را هضم کنید. لازم است تا آثار کامل مارکس، انگلس، لنین، ستالین [تأکید شده توسط چه در نسخه اصلی] و دیگر بزرگان مارکسیست منتشر شود. در اینجا رویزیونیست های بزرگ آمده اند (اگر شما بخواهید شما می توانید خروشچف را اضافه کنید)، به خوبی تجزیه و تحلیل شده، عمیق تر از هر کس دیگری و همچنین دوست شما تروتسکی، که وجود داشته است و احتمالاً چیزی نوشته» (کونتاراکوررینته، شماره ۹، سپتامبر ۱۹۹۷).

مسیر رویزیونیستی که رهبری شوروی پس از کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در پیش گرفت، منبع نگرانی شدیدی برای چه گوارا شد. آن سیاست به اصطلاح «ستالین زدائی» و نادرست، برداشت فرصت طلبانه درباره روند ساختمان سوسیالیسم که رهبری خروشچف پس از سال ۱۹۵۶ معرفی کرد، تأثیر انتقادی و حیاتی خود را بر دید چه گوارا، بر انقلاب و سوسیالیسم گذاشت.

یکی از شرح حال نویسان چه گوارا، سیاستمدار مکزیکی حورخه کاستانیدا نوشت (یک چاشنی ضد کمونیستی اضافه کنید): «در زمانی که هزاران نفر با مقامات «کمونیسم» رفع او هام می کردند و از خواب و خیال بیدار می شدند، چه گوارا به یک ستالینیسم تبدیل شد. او سخنرانی سال ۱۹۵۶ خروشچف در محکوم کردن جنایات ستالین را به عنوان «تبلیغات امپریالیستی» رد کرد و از حمله روسیه به مجارستان که قیام کارگران آنجا را در همان سال سرکوب کرد، دفاع نمود» (جی. کاستانیدا، کومپانیرو: زندگی و مرگ چه گوارا، ۱۹۹۷).



چهار سال پس از آغاز «ستالین زدانی» خروشچف، در نوامبر ۱۹۶۰، ارنستو چه گوارا به عنوان یک نماینده رسمی دولت کوبا از مسکو دیدن کرد. علی رغم توصیه آن موقع سفیر کوبا جهت جلوگیری از چنین اقدامی، چه گوارا بر بازدید و گذاشتن گل و ادای احترام به آرامگاه ستالین در گورستان کرمین اصرار نمود.

چه گوارا احترام عمیقی برای رهبر جوزف ستالین و سهم او در ساخت سوسیالیسم داشت. و برای همین، همان گونه که خود چه می گوید: «شما باید به ستالین در آن بستر تاریخی نگاه کنید که او در آن زمان [..] در آن موقعیت تاریخی خاص حرکت می کرد». آن بافت تاریخی و محیط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بسیار ناسازگار و سخت که در آن ستالین اتحاد جماهیر شوروی را رهبری نمود توسط هواداران ضد ستالینیسم نادیده گرفته می شود. آنها خفه می شوند و ساکت اند و به عمد این حقیقت را نادیده می گیرند که روند ساخت سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی در درون یک قالب شدید مبارزه طبقاتی، با دشمنان زیاد – داخلی و خارجی (محاصره امپریالیستی) – تهدیدات انجام می گرفت، در حالی که کوشش های گسترده برای صنعتی شدن با عکس العمل ها و خرابکاری های وسیع روبه رو بود (روند اشتراکی، برای مثال، با موضع منفی کولاک ها مواجه بود).

جوزف ستالین، به عنوان یک شخصیت و رهبر، محصول عمل توده ها در درون بستر تاریخی خاصی بود. و این ستالین بود که حزب بلشویک ها و مردم شوروی را برای ۳۰ سال، بر مبنای میراث ایدئولوژیک استوار لنین هدایت نمود. جوزف به عنوان یک کمونیست واقعی، یک انقلابی راستین – در تنوری و در عمل ست – که ارنستو چه گوارا به ناچار به رسمیت می شناسد و از آن واقعیت تاریخی قدردانی می کند.

برگرداننده شده از:

atexnos.gr

Che Guevara: “I came to communism because of Stalin”

<https://communismgr.blogspot.com.au/search?q=Che+Guevara:+%E2%80%9CI+came+to+communism+because+of+Stalin%E2%80%9D>